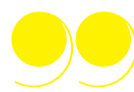


دولا شدنش با تو، سواری با ما هشتگ زدن و گریه وزاری با ما!

امین شفیعی - شاعر

تیر و قمه با تو، فحش کاری با ما! اعدام اگر شدی، خیالت راحت!



تحلیل محتوای کتاب «خودت باش دختر» از بیخ ازدواج با سروش جمشیدی پس از عمل

سمیرا قره‌داغی
طنزپرداز

خودمشاورپنداری نویسندگان امریکایی (عمدتاً با تجربه شکست عاطفی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و...) بیشتر از گروه هدف بومی، ناشران و مترجمان و دستفروشان کتاب در ایران را تحت تأثیر قرار داده است. فروش آثار معروف به «روانشناسی خیلی زرد» (مایل به نارنجی) در حالی در ایران به چاپ سه‌چهار رقمی می‌رسد که خود نویسنده از این حجم مخاطب استرس گرفته و وجدانش نمی‌گذارد بخوابد. این آثار با تکیه بر جذابیت‌های تصویری و انتشار عکس نویسنده روی جلد (معمولاً مرد در حال آشپزی یا زن در حال رقص با کتونی و...) بعد از مطالعه کانال‌های انگیزشی تلگرام، عمده وقت مطالعه ایرانیان را به خود اختصاص داده است. کتاب «خودت باش دختر» با نام اصلی «girl! wash your face» دخترانی که نشسته در اجتماع ظاهر می‌شوند، نصیحت می‌... از زنان می‌خواهد ادا در نیاورند و زیر بار قواعد مردنویشت اجتماع نروند. در ادامه گلچین دروغ‌هایی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته را از بیخ تحلیل می‌کنیم:

۱- دروغ «از فردا»: تا کسی می‌خواهد رژیم لاغری، ترک سیگار و معاشرت عین آدم با خانواده همسر را به اولین شنبه موکل کنید؟ به خودتان بیایید. یک آب به صورت‌تان بزنید و از شنبه دوم یا سوم شروع کنید.

۲- دروغ «من خوب نیستم»: اگر کل ترکیب‌تان را کوبیده‌اید و از نو ساخته‌اید و هر جای‌تان هم قابل عمل نبوده، با تتو و ژل و ملات و... از وضعیت استاندارد خارج کرده‌اید و باز فکر می‌کنید نشده، بروید دکتر.

۳- دروغ «دوست داشتن کافی است»: ببینید اگر در طرح ملی مسکن و دستورالعمل جدید وام ازدواج، با «دوست داشتن» اقساط آدم پرداخت می‌شود، بله که کافی است. اضافه هم می‌آید.

۴- دروغ «بلد نیستم مادر باشم»: تحقیر بچه در جمع، آموزش آرایش و پیرایش، رقص در فضای مجازی از ۱۱ ماهگی، پشت مو و بستن دهان بچه با موبایل بلد بودن می‌خواهد؟

۵- دروغ «بچه مردم»: والا ما خودمان یک عمر بچه مردم بودیم، دیدیم. به ما هم سر وقت آب و دود نمی‌دادند، فکر می‌کردند چون گودزیلا نیستیم، عیبی ندارد و خودمان با کندن گچ دیوار و جویدن دمپایی یک‌جوری رشد می‌کنیم.

۶- دروغ «باید خودم را کوچک کنم»: خاک بر سرتان! این بود آرمان‌های ما؟ آنقدر اولویت بودن خود را فراموش نکنید. دیدگاه سنتی مردسالار در تلاش است همسر و بچه را بیندازد گردن شما. به خاطر داشته باشید، تأکید اضافه، زوری، افراطی و بیمارگونه بر خود، از الزامات آزادی فکر و روان شماست. گور بابای همه‌شان (در واقع می‌شود گور شخص شوهر و پدرشوهرتان).

۷- دروغ «می‌خواهم با سروش جمشیدی ازدواج کنم»: عمرتان را پای تخیلات فانتزی نگذارید. طرف محمدرضا گلزار (با گریم دومادی) و طنز طباطبایی (after) هم باشد، یک‌بار بیشتر ازدواج نخواهد کرد. البته جامعه هنری فضایش یک‌خنده فرق دارد و می‌تواند بیشتر از یک‌بار ازدواج کنند... الان که بیشتر فکر می‌کنم، چند وقت یک‌بار ازدواج می‌کنند. اصلاً ولس کنید و به تخیلات خود ادامه دهید.

۸- دروغ «من یک نویسنده مزخرفم»: این را سطح کپی‌کاری در نوشتن کپشن اینستاگرام مشخص می‌کند. تأکید بر نویسنده بودن در «بایو» نیز پنجاه درصد بعدی کار است. آنقدر به خودتان نگیرید. الان همه ایران نویسند هاند. با حفظ سمت: پزشک، تجربی، مشاور خانواده، فعال محیط زیست، تیستر، بلاگر و صاحب آنلاینتشاپ هم هستند. همه هم حرفه‌ای.

۹- دروغ «در این مرحله گیر خواهم کرد»: داوود برره یک‌بار زور زد، سیبل درآورد. قد داوونه هم نیستید؟ زور بزنید و از مراحل سخت زندگی عبور کنید. بعداً همه اینها خاطره می‌شود.

۱۰- دروغ «نمی‌توانم حقیقت را بگویم»: الان نصف فامیل با «من حرفم رو رک می‌زنم» شلنگ را روی بقیه گرفته‌اند. تازه جویری هم بغض می‌کنند انگار دروغ‌هایشان را من گفته‌ام. بعد شما برای گفتن حرف حساب، استخاره می‌کنید؟ ...shame



سید محمد جواد طاهری

کاریکاتوربست

بازی ماز

فرشته پناهی
طنزپرداز

ای خدا هرچه می‌دویم کم است
نرخ اجناس می‌دود پر گاز

با حقوقی به قدر چندر غاز
گذران می‌کنیم با اعجاز

شده پیچیده زندگی یارب
عینهو آخرین مراحل ماز!

از زمانی که بنده با عشقم
یا علی گفته عشق شد آغاز...

ای خدا به خدایاً رضاک
که تویی مهربان و محرم راز

همسرم هر چه خواسته، بنده
پیش خود گویم: آه! ماذا فاز؟

لطف کن لااقل شود آسفالت
این مسیر پر از نشیب و فراز

آه چون نیست در بساطم پس
می‌خرم هی فقط ز همسر ناز

مرحمت کن غذای اعیانی
نه... تنوع بده به نان و پیاز

فاصله هست قدر یک دنیا
بین من با جناب مرد تراز!

لطف کن چرخ زندگیم خدا
نکند گیر پشت دست‌انداز

ما که رقصیده‌ایم یک عمر است
هر طریقی زده است دنیا ساز

مناظره کتاب و گوشه

سیدمحمد صفایی نویسی

طنزپرداز

بیست و چاری می‌کند روشن مرا
می‌خورد در پیچ ملت پیچ و تاب

روی جلد تپه‌ای از گرد و خاک
می‌دهد همواره روحم را عذاب

بس که ضربه روی کیبوردم زده
باتری‌ام گردیده چون سربی مذاب

بعد عمری دلبری از اهل علم
مانده‌ام در حجره‌های انقلاب

داده‌ام مخصوص او ایمیل و او
داده با ایموجی و شکلک جواب

یار من، حالا رهایم کرده است
با تو دیگر می‌رود در رختخواب

می‌نویسد انتلکتوئل‌م و
علم را کردم قویاً انتخاب

تا که گوشه این شکایت‌ها شنید
شارژ او خالی شد و تاجش کباب

کی گمانم بود اهل چت شود؟
هی اکانت نو بسازد با نقاب

گفت آری مهربان یار عزیز
عرض پوزش بابت این اضطراب

وای من ای کاش وای فایی نبود
یا نتم می‌شد خوراک اسب و گاب

من که‌ام؟ از اختراعات بشر
آن هم از لطف شما، عالی جناب!

کاش از این پس نیمه‌شب‌ها تا سحر
با تو درغلتد میان رختخواب

من هم ایضاً دائماً مانند تو
می‌کنم از هارد پی‌سی اجتناب

داد پیغامی به گوشه با عتاب
از ته گنجه کتاب مستطاب

گفت ای نامهربان نارقیق
پنجه افکندی به جانم چون عقاب

قبل تو بودم برای یار خویش
هم‌دبستانی از ایام شباب

آمدی مثل هوو روی سرم
خانها را با لگد کردی خراب

دائم آنلاینی و در حال چتی
با مسیح و مریم و یاس و شهاب

از زمانی که به بازار آمدی
برگ برغم گشته غرق التهاب

دیالوگ حدسی

نخست‌وزیر ژاپن:

اونجا نیرو تازه تی کشیدیم، عهههه دوباره باید تمیز کنم.

نخست‌وزیر انگلیس:

عیب نداره خودم پاچه رو می‌زنم بالا میام کمکت

محمد کوره‌پز

نخست‌وزیر ژاپن:

عه این چه خوشگله از کجا خریدی؟

نخست‌وزیر انگلیس:

از مترو خریدم ۳ تا ۱ دلار، دفعه بعدی اومدم اجلاس برای تو هم می‌خرم.

عاطفه صالحی

